

پوپولیسیم ایرانی

تحلیل کیفیت حکمرانی محمود احمدی نژاد از منظر اقتصاد و ارتباطات سیاسی

علی سرزعیم



نشر گردن

www.ketab.ir

سرشناسه: سرزعم، علی، ۱۳۵۴ -
عنوان و نام پدیدآور: پوپولیسم ایرانی: تحلیل کیفیت حکمرانی محمود احمدی‌نژاد از منظر اقتصاد و زیباطیات
سیاسی/ علی سرزعم
مشخصات نشر: تهران: نشر کرگدن، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری: چهارده، ۴۰۲ ص.
شابک: 978-600-96452-7-5
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا
یادداشت: کتابنامه: ص. ۳۵۲.
موضوع: احمدی‌نژاد، محمود، ۱۳۳۵ - -- دیدگاه‌های سیاسی و اجتماعی
موضوع: Ahmadinezhad, Mahmoud -- Political and social views
موضوع: احمدی‌نژاد، محمود، ۱۳۳۵ - -- دیدگاه درباره اقتصاد
موضوع: Ahmadinezhad, Mahmoud -- Views on economics
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۵ س ۹/ س ۱۷۲۰ DSR
رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۴۴
شماره کتابشناسی ملی: ۴۵۹۰۸۵۴

همه حقوق برای ناشر محفوظ است.
نشر کرگدن: تهران، صندوق پستی ۱۷۱۶-۱۳۱۰۱
www.kargadanpub.com
telegram.me/kargadanpub



نشر کرگدن

پوپولیسیم ایرانی: تحلیل کیفیت حکمرانی محمود احمدی نژاد؛ «نظرات»؛ اقتصاد و ارتباطات سیاسی

نویسنده: علی سرزیم

ویراستار: شادی جاجرمی زاده و مهدی بختی

نسخه پرداز: شادی جاجرمی زاده

مدیر هنری: سحر ترهنده

ناظر چاپ: علی محمدپور

لیتوگرافی: نقش سبز

چاپ و صحافی: خاشع

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۴۵۲-۷-۵

چاپ اول: ۱۳۹۶

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۳۳۰۰۰ تومان

مقدمه

از دیدگاه من - که نزدیک به دو دهه است در حوزه اقتصاد سیاسی ایران می‌اندیشم و قلم می‌زنم - اکنون جمهوری اسلامی را می‌توان به دو دوره پیش و پس از احمدی‌نژاد متمایز کرد. در این دو دوره ما با دو ساختار سیاسی و اجتماعی متمایز روبه‌رو هستیم. به گمان من می‌توان ادعا کرد که در دوره پس از احمدی‌نژاد جمهوری اسلامی وارد برخی فرایندهای بی‌بازگشت شد، فرایندهایی که توقف یا معکوس کردن آنها به معجزه می‌ماند و نیازمند شرایط ویژه‌ای است که در آن نظام سیاسی و قاطبه گروه‌های بهارهای مرجع مدنی بتوانند در یک همکاری گسترده و صمیمانه روند موجود را متوقف یا معکوس کنند. رایج باورم که نه جنگ و نه انتخابات خرداد ۱۳۷۶، که دگرگونی عظیمی در فرایندهای سیاسی ایران به حسرت می‌شد، نتوانستند ساختار بنیادین و محتوای جمهوری اسلامی را کاملاً دگرگون کنند و بلکه آن را تقویت کردند. به دیگر سخن، اگر تأسیس و شکل‌دهی به ساختار جمهوری اسلامی را محصول حضور شخصیت برجسته بنیان‌گذار جمهوری اسلامی بدانیم، محتوای (فرایندها و سازوکارهای) جمهوری اسلامی به شرح زیر پس از سال ۱۳۸۴ را می‌توان به دو چهره برجسته سیاسی کشور، یعنی هاشمی و احمدی‌نژاد، تقسیم کرد. در واقع پس از جنگ ما با دو جمهوری اسلامی روبه‌رو هستیم: «جمهوری اسلامی هاشمی» و «جمهوری اسلامی احمدی‌نژاد».

به گمان من برآمدن دولت روحانی و حتی تداوم حضور اعتدال‌گرایان با اصلاح‌طلبان در دولت‌های بعدی هم دیگر نمی‌تواند محتوای «جمهوری اسلامی احمدی‌نژاد» را کاملاً دگرگون کند. در دوره دوم جمهوری اسلامی، رویه‌ها، فرایندها، الگوهای رفتاری و حتی در مواردی ساختارها و نهادهایی شکل گرفت که فقط با یک جراحی بزرگ درون‌سیستمی و دگرگونی‌های بنیادین قابل توقف یا تحول است. به عبارت دیگر، در دوره اول جمهوری همه تحولات و اکثر بازیگران، حتی بازیگران ارشد، خود را بر اساس نقش هاشمی در ساختار نظام سیاسی تنظیم و بازچینی کردند و در دوره دوم تحولات، فرایندها و حتی بازیگران حاضر در نظام سیاسی بر پایه نقش و شیوه‌های رفتاری احمدی‌نژاد بازچینی و بازآفرینی شدند. به بیان نمادین، انقلاب اسلامی یک انقلاب تراژیک بود که از عشق به آینده‌ای دلپذیر سرچشمه می‌گرفت، اما برآمدن احمدی‌نژاد بازآفرینی کمیک انقلاب بود که بر پایه نفرت از گذشته‌ای نادلپذیر بنا می‌شد.

بنابراین ساختار و محتوایی که اکنون در جمهوری اسلامی در برابر چشمان ماست محصول دو انقلاب است: «انقلابی ترازیک» به رهبری بنیان‌گذار فقید جمهوری اسلامی و «انقلابی کمیک» به کارگزاری محمود احمدی‌نژاد. همان‌گونه که انقلاب اسلامی، به علت عدم همنوایی ساختارهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، پایانی بود بر باثبات‌ترین و پررونق‌ترین دوره اقتصاد ایران در تمامی سال‌های پس از مشروطیت یا حتی دوران پس از صفویه، انقلاب محمودی نیز، به علت شکاف‌های اقتصادی و اجتماعی پدیدآمده در دو دهه پیش از آن، پایانی بود بر یک دوره طلایی بازگشت به عقلانیت و انباشت گسترده سرمایه و منابع در تمامی حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و انسانی در عصر جمهوری اسلامی.

اگر در مریزی ساختارها، ناشی از تکانه‌های انقلاب اسلامی، باعث شده است که هنوز که ۳۸ سال از پیروزی انقلاب اسلامی می‌گذرد ما نتوانیم به سطح برخی از شاخص‌های پیش از انقلاب بازگردیم و مثلاً درآمد سرانه واقعی ما در سال ۱۳۹۴ کمتر از شصت درصد همین شاخص در سال ۱۳۸۸ باشد، اکنون نیز باید چند دهه بگذرد تا ما به شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پیش از دوران احمدی‌نژاد بازگردیم. البته با این فرض که در این میان حادثه‌ای پیش‌بینی نشده کلی داری است. اعلی و سیاسی ما را در هم نریزد. اگر جمهوری اسلامی نتواند از بحران‌هایی که پیش رو دارد، سلاطین عبور کند من آن را محصول خطایی می‌دانم که نظام سیاسی ایران با برکشیدن احمدی‌نژاد به موجب شد. اگرچه مسئولیت برآمدن احمدی‌نژاد و نظام فکری او را نمی‌توان به یک فرد و حتی به یک جناح سیاسی نسبت داد، چرا که همه ذی‌نفعان، شامل نظام سیاسی و بخش‌های بزرگ، از جامعه و گروه‌های مرجع اجتماعی، همت کردند و دست به دست هم دادند تا عصر احمدی‌نژاد آغاز شود، اما بی‌گمان برخی از آنان مسئولیت سنگین‌تری بر دوش دارند.

برخی از اقتصاددانان معتقدند که حکایت توسعه حکایت تضاد است، تضادی که در آن شرایط بیرونی و محیطی آماده است و آن‌گاه یک حکومت توسعه‌خواه با یک ملت توسعه‌خواه دست به دست هم می‌دهند تا جامعه و اقتصاد را بر روی ریل توسعه قرار دهند. به گمان من، بزرگ‌ترین شانس تاریخی ما برای قرار گرفتن بر روی ریل توسعه، در تمام دوران پس از مشروطیت، همین دوره طلایی تکرارنشده بود که در عصر احمدی‌نژاد از دست رفت؛ و متأسفانه در همین دوره بود که بخش بزرگی از منابع انسانی و اقتصادی توسعه‌آفرین ما یا پایان یافت یا از چرخه‌های خلق ارزش حذف شد.

و اکنون ما فرصت و امکانات چندانی برای آنکه دوباره دست به آزمودن‌های جدیدی بزنیم نداریم، به همین علت باید بکوشیم تجربه‌های شکست‌خورده گذشته را به‌خوبی و نیکویی

تحلیل و آسیب‌شناسی کنیم. به گمان من، یکی از علل آنکه ملت ایران بارها و بارها دست به تجربه‌های جدید می‌زند آن است که تجربه‌های گذشته مکتوب نمی‌شود تا از این طریق به ذهن و زبان نسل‌های بعدی وارد شود و از طریق شکل‌دهی به الگوهای فرهنگی از تکرار آنها جلوگیری شود. برای مثال، در حالی که کشور ایران یکی از کشورهای زلزله‌خیز است، هیچ یک از مدیران دوران زلزله‌های گذشته تجربه‌های خویش در مدیریت زلزله را مکتوب نکرده است. من در سفری که پس از زلزله بم به استان کرمان داشتم از استاندار کرمان پرسیدم که آیا هیچ کتاب، گزارش یا دفترچه راهنمایی برای مدیریت زلزله در دسترس شما قرار گرفته است. پاسخ منفی بود. به او و معاونانش توصیه کردم که حتماً وقت معینی بگذارند و تجربه مدیریت زلزله بم را بنگارند و تحلیل کنند تا برای مدیران آینده قابل استفاده باشد. سال‌ها بعد از یکی از آنان پرسیدم که آیا ثبت آن تجربه شروع است؟ پاسخ باز هم منفی بود.

من امیدوارم خرد آقا احمدی‌نژاد دست به کالبدشکافی دوره مدیریتش بزند، همچنان که امیدوارم یاران نزدیک او نیز چنین کنند و امیدوارم که حامیان او نیز تجربه خود را بنگارند و اشتباهات خود را در این تجربه برای آیندگان ثبت کنند. اما بی‌گمان وظیفه اصلی بر دوش روشنفکران، اقتصاددانان و عالمان علوم اجتماعی و انسانی این دیار است که دست به کالبدشکافی گسترده این تجربه بزنند. شاید بسیاری آینده از تکرار خطاهایی که ما بدان مرتکب شدیم پرهیز کنند.

تلاشی که دکتر علی سرزعی در نوشتن و تحلیل این تجربه از منظر اقتصاد سیاسی، جامعه‌شناسی اقتصادی و روان‌شناسی اجتماعی کرده شایسته تحسین است. ممکن است من با برخی از تحلیل‌های این کتاب موافق نباشم، اما نمی‌توانم خرسند نباشم. من را از اینکه او با صبوری تمام و گذاشتن فرصت کافی برای جمع‌آوری اطلاعاتی گسترده تلاش و زحمت و زحمت او را از اینکه او با صبوری قدم به قدم تحلیل کرده است پنهان کنم. تحلیلی که در بیشتر موارد آنها را به دانه و به دور از حب و بغض یافته‌ام. طبیعی است که هر نویسنده‌ای تحلیل علمی خود را از سطری که از خلال آن به مسائل می‌نگرد و با پیش‌فرض‌ها و مفروضاتی که به آنها معتقد است بنگارد. بنابراین ممکن است برخی از خوانندگان این کتاب با مفروضات تحلیل نویسنده موافق نباشند. اما هیچ تحلیلگری نمی‌تواند از خلأ آغاز کند، و همه اندیشمندان نخستین گام‌های تحلیلی خود را بر مفروضات اولیه‌ای بنا می‌کنند که ممکن است مورد قبول دیگران نباشد.

در هر صورت، این کتاب یکی از نادر نوشته‌های منتشرشده‌ای است که تحلیل دوران حکمرانی یکی از مقامات سیاسی ارشد را به تفصیل و با جزئیات و از دید ناظری بیرونی انجام داده است. ممکن است به علت اینکه تخصص اصلی نویسنده کتاب اقتصاد بوده است، برخی از ضعف‌های

تحلیلی در حوزه‌های جامعه‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی قابل مشاهده باشد، اما گستردگی تحلیل و توجه به زوایای مختلف این دوران آن قدر هست که تحسین خواننده را برانگیزد. بی‌گمان هر خواننده‌ای، خواه دانش‌آموخته دانشگاهی و خواه خواننده عادی، این کتاب را می‌فهمد و از آن بهره‌های فراوان می‌برد. این کتاب بصیرت‌های فراوانی برای همه گروه‌هایی که به تحولات دوران معاصر ایران علاقه‌مند هستند در خود جای داده است. آنچه این کتاب را خواندنی و جذاب می‌کند جابه‌جایی مکرر تحلیل‌گر از سطوح خرد و حتی فردی با بیان جزئیات ریز تا سطوح بسیار کلان و ملی است. به همین علت، خواننده در هیچ مرحله‌ای از خواندن کتاب خسته نمی‌شود.

طبیعی است که تدوین چنین کتابی با چنین حوزه گسترده‌ای از تحلیل، که مسائل مختلف اقتصادی، سیاست خارجی، اجتماعی، فرهنگی، تبلیغاتی و انتخاباتی را در خود جای داده است، مستلزم بخاری گروهی از صاحب‌نظران و محققان حوزه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی باشد. اما تجربه نشان داده است که معمولاً در میان عالمان این دیار توانایی همکاری جمعی بسیار پایین است. چنین همکاری‌هایی عموماً به شکست می‌انجامد، و به همین علت می‌توان به سرزعمین عن داد که یک تن، وارد همه این حوزه‌ها شود و دست به تحلیل بزند.

در پایان سخن نمی‌توانم این نکته را پنهان کنم که معتقدم هیچ‌کدام از شخصیت‌های سیاسی کشور را - خواه دوست‌شان داشته باشم یا نه - اگر امیدی هست که در آینده به عنوان یک سرمایه‌نمادین نقش مثبتی ایفا کنند، نباید تخریب کنیم. من همواره به دوستانی که با من در مخالفت با آقای احمدی‌نژاد هم‌نوا بوده‌اند معترض بوده‌ام که نقد نباید به تخریب آمیخته شود. نقد دوران احمدی‌نژاد یکی از ضرورت‌های حوزه سیاست‌های این دیار است، اما همان‌گونه که تخریب هر یک از بناهای تاریخی، خواه دوست‌ش داشته باشم یا نه، به زیان منافع ملی است، تخریب شخصیت‌هایی سیاسی که ممکن است با آنها موافق باشیم یا دوست‌شان نداشته باشیم نیز به منزله آسیب زدن به منافع ملی است. بنابراین اگرچه من، در کتاب تخریب عمده‌ای ندیده‌ام، ولی توصیه من به نویسنده ارجمند کتاب این بود که پیش از چاپ، در دیگر کتاب‌ها بازخوانی کند و در هر جمله‌ای که گمان می‌برد متضمن تخریب شخصیتی افراد مورد تحلیل است بازنگری کند. امید که دیگران نیز دست به کار شوند و «جمهوری عصر محمودی» را تحلیل کنند و راه‌های عقلانی عبور دادن ساختار نظام سیاسی اجتماعی موجود به سمت مسیر توسعه را برای آیندگان بنمایانند. چنین باد.

فهرست

۱ پیش‌گفتا

فصل یکم: چرا حزب نظامی

۷ پرسش‌های پژوهش

۸ چرا چارچوب نظری؟

۹ مفهوم عوام‌گرایی (پوپولیسم)

۹ عوام‌گرایی (پوپولیسم) در سیاست

۱۳ عوام‌گرایی (پوپولیسم) در مدیریت

۱۸ عوام‌گرایی (پوپولیسم) در اقتصاد

۲۰ بیماری هلندی، اثر آزمندی و شومی منابع

۲۲ دولت رانته

۲۶ منابع

فصل دوم: پیش به سوی سیاست

۲۷ درآمد

۳۰ احمدی‌نژاد و امام خمینی (ره)

۳۳ احمدی‌نژاد و دوم خرداد

۳۵ رقابت دو نظریه

۳۷ فرزند انقلاب

۴۱ ورود به عرصه سیاست

۴۶ فتح شورای شهر

۴۷	آزمون مدیریت شهری
۴۹	زمزمه عوام‌گرایی در مدیریت شهری
۵۱	خیز به سمت ریاست جمهوری
۵۲	جاذبه افسونگر دولت نزد ایرانیان
۵۴	انگیزه‌های فردی برای حضور در قدرت
۵۵	نحوه حضور در انتخابات
۵۸	پی‌نوشت‌ها

فصل سوم: تبلیغات سیاسی در انتخابات ۱۳۸۴

۶۵	درآمد
۶۶	مبانی
۶۷	تحلیل راهبردی تبلیغاتی نامزدها
۷۰	قدرت متقاعدگری پیام‌ها
۷۳	تبلیغات و فرهنگ سیاسی مردم
۷۵	مدیریت تبلیغات
۸۱	ارزیابی فیلم‌های تبلیغی
۸۲	تاکتیک‌های تبلیغاتی احمدی‌نژاد
۸۵	منابع

فصل چهارم: سبک حکمرانی و مدیریت نهاد دولت

۸۷	زلزله تغییرات مدیران
۹۰	نبرد با بوروکراسی
۹۳	بی‌مهری به نظام کارشناسی و انحلال سازمان برنامه
۹۵	تمرکز تصمیم‌گیری
۹۶	سفرهای استانی
۱۰۱	انتصاب‌های رفاقتی
۱۰۴	تلاش برای متمایز شدن
۱۰۴	بی‌ثباتی در نهادها و سیاست‌ها
۱۰۷	تضعیف وجدان کار و اخلاق حرفه‌ای
۱۱۱	پی‌نوشت‌ها

فصل پنجم: سیاست‌های اقتصادی در دوره نخست ریاست جمهوری

۱۲۵	سیاست‌های اقتصادی عوام‌گرایانه
۱۲۵	بی‌حرمتی به علم اقتصاد
۱۲۸	گردباد درآمد نفت
۱۳۲	سودای پیشرفت سریع و عادلانه
۱۳۵	استقبال از بیماری هلندی
۱۳۶	ظهور پیامدهای بیماری هلندی
۱۳۹	اراده‌گرایی در اقتصاد
۱۴۱	بدهی پدیده تورم
۱۴۳	تصور م از نقش اقتصادی یارانه برای تحقق عدالت اجتماعی
۱۴۶	نرخ بهره عزم‌های دیگر برای بروز اراده‌گرایی
۱۴۸	مداخله در بانک
۱۴۹	بنگاه‌های زودبازده
۱۵۱	خصوصی‌سازی
۱۵۲	سهام عدالت
۱۵۳	دیگر مصادیق عوام‌گرایی در عرصه اقتصاد
۱۵۵	سهمیه‌بندی بنزین با توزیع کارت سوخت
۱۵۷	عملکرد اقتصادی دوره نخست
۱۵۹	پی‌نوشت‌ها

فصل ششم: سیاست خارجی در دوره نخست ریاست جمهوری

۱۷۹	جهان‌بینی احمدی‌نژاد
۱۸۰	ایزارهای صدور انقلاب
۱۸۱	نگرش انقلابی به وزارت امور خارجه
۱۸۲	پرونده اتمی
۱۸۳	شخصی شدن سیاست خارجی
۱۸۵	انکار هولوکاست
۱۸۹	جمع‌بندی
۱۹۰	پی‌نوشت‌ها



فصل هفتم: سیاست داخلی در دوره نخست ریاست جمهوری

۲۰۹	-----	اخراج اصلاح طلبان و یکپارچگی قدرت
۲۱۱	-----	احمدی نژاد و گروه های مرجع
۲۱۳	-----	احمدی نژاد و اصول گرایان
۲۱۵	-----	احمدی نژاد و توده های حامی
۲۲۰	-----	پی نوشت ها

فصل هشتم: تبلیغات انتخاباتی در انتخابات ۱۳۸۸

۲۲۷	-----	تحلیل مناظره رضایی و احمدی نژاد
۲۳۷	-----	تحلیل مناظره موسوی و احمدی نژاد
۲۴۴	-----	تحلیل مناظره کروبی و احمدی نژاد
۲۵۰	-----	جمع بندی

فصل نهم: تحلیل اعتراض های ۱۳۸۸

۲۵۱	-----	درآمد
۲۵۱	-----	تحلیل های رایج از اعتراض های ۱۳۸۸
۲۵۲	-----	مقایسه نظام های اکثریتی و تناسبی
۲۵۴	-----	تحلیل اعتراض های ۱۳۸۸

فصل دهم: سیاست های داخلی در دوره دوم ریاست جمهوری

۲۵۹	-----	درآمد
۲۶۰	-----	سیاست خارجی
۲۶۲	-----	سیاست داخلی
۲۶۲	-----	اعتراض های ۱۳۸۸ و رابطه اصول گرایان با احمدی نژاد
۲۶۴	-----	تبلیغات اصول گرایان علیه احمدی نژاد

فصل یازدهم: سیاست های اقتصادی در دوره دوم ریاست جمهوری

۲۶۷	-----	درآمد
۲۶۸	-----	ایده هدفمند کردن یارانه ها

۲۷۱	-----	اجرای سیاست نقدی کردن یارانه‌ها
۲۷۴	-----	عملکرد طرح هدفمندی (نقدی کردن) یارانه‌ها
۲۷۶	-----	مسکن مهر
۲۸۳	-----	تحریم و واکنش نظام سیاستگذاری
۲۸۴	-----	اثر تحریم بر اقتصاد و صنعت
۲۸۵	-----	رشد اندازه دولت
۲۸۸	-----	عملکرد اقتصادی در دوره دوم ریاست جمهوری
۲۹۲	-----	پی‌نوشت‌ها

فصل دوازدهم: جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

۳۰۳	-----	میراث احمدی‌نژاد بر اقتصاد ایران
۳۰۷	-----	خدمات احمدی‌نژاد
۳۰۸	-----	آسیب‌ها و زیان‌های احمدی‌نژاد
۳۱۳	-----	درس‌های پدیده احمدی‌نژاد برای ماکت
۳۱۵	-----	درس‌های پدیده احمدی‌نژاد برای اصلاح‌طلبان و روشنفکران
۳۱۷	-----	درس‌های پدیده احمدی‌نژاد برای اصول‌گرایان
۳۱۸	-----	درس‌های پدیده احمدی‌نژاد برای توده مردم
۳۲۱	-----	سخنی با خوانندگان کتاب
۳۲۲	-----	دستورکاری برای آینده
۳۲۳	-----	هشدار نسبت به برداشتی اشتباه
۳۲۳	-----	خطر احمدی‌نژاد یا احمدی‌نژادیسیم

۳۲۷	-----	پیوست یکم: عوام‌گرایی (پوپولیسم) در آمریکا
۳۲۹	-----	حزب مردم
۳۳۰	-----	هیو لانگ
۳۳۱	-----	جرج والاس
۳۳۱	-----	راس پروت
۳۳۲	-----	دونالد ترامپ

- ۳۳۷ ----- پیوست دوم: عوام‌گرایی (پوپولیسم) در امریکای لاتین
- ۳۳۷ ----- عوام‌گرایی در دوران زمامداری آئنده در شیلی
- ۳۴۲ ----- عوام‌گرایی در ونزوئلا
- ۳۴۲ ----- عوام‌گرایی از نوع کارلوس آندره پرس
- ۳۴۶ ----- عوام‌گرایی از نوع هوگو چاوز
- ۳۵۴ ----- منابع

- ۳۵۵ ----- پیوست سوم: گزیده‌ای از سخنان محمود احمدی‌نژاد

www.ketab.ir

پیش‌گفتار

امروزه بدویم از کارنامه محمود احمدی‌نژاد در میان بخشی از جامعه رویه رایجی شده است؛ بسیاری از مسئولان کسبی این دهه‌های موجود در نظام اقتصادی را به تصمیم‌های اشتباه دوران احمدی‌نژاد نسبت می‌دهند. مثلاً اهنه نشدن تغییر جدی در وضع توسعه‌یافتگی کشور با وجود هزینه‌کرد حدود ۶۵۰ میلیارد دلار مخالفان را در موضع سرزنش هواداران او قرار داده است. کار به جایی رسیده است که کسانی که با برر از او جانانه حمایت می‌کردند، امروز می‌کوشند از او فاصله بگیرند و این فاصله گرفتن را با توجه به تهر از دستور رهبری نظام توجیه و رفتار خود را ناشی از ولایت‌مداری ارزیابی می‌کنند. برای دیگر، نزدیکی احمدی‌نژاد به اندیشه‌های اسفندیار رحیم‌مشایی را نوعی انحراف ایدئولوژیک قلمداد و از این زاویه، روی‌گردانی خود را توجیه می‌کنند. این افراد عموماً عملکرد احمدی‌نژاد را در درخت ریاست‌جمهوری ممتاز و در دور دوم نامناسب و غیرقابل‌دفاع می‌دانند.

در هیاهوی تمام این سخنان و موضع‌گیری‌ها چند چیز مغفول مانده است؛ نخست اینکه احمدی‌نژاد هنوز نزد بخشی از جامعه محبوب است و انکار این محبت بیش از هر چیز انکار واقعیت است. چه کسی جز افراد متعصب به انکار واقعیت و واقع‌انگاری تمایلات راضی می‌شود؟ محمود احمدی‌نژاد هنوز برای بخشی از جامعه ایران نمادی از یک رهبر مردمی است که اشکالاتی هم داشته است. از دید این افراد، وجود اشکال در عملکرد او قابل‌انکار نیست، اما چنان نیست که او در مجموع نمره منفی بگیرد و روشن است که چه کسی بدون اشکال و کدام دیکته نوشته‌شده بی‌غلط است. برای این افراد این نکته به اثبات نرسیده است که روش حکومت‌داری احمدی‌نژاد مطلوب نبوده و نتوانسته است انتظارات جامعه را برآورده سازد. دوم اینکه هنوز بخشی از مخالفان او استدلال‌ها و شواهد ضعیفی برای مخالفت خود عرضه می‌کنند. تمسک به تمسخر و هجو یکی از راه‌های پوشاندن ضعف استدلال است، و قطعاً برخی افراد

دلیل درستی برای مخالفت خود ندارند و به همین علت، تخریب را ترجیح می‌دهند و ضعف عملکرد را آن قدر بدیهی می‌دانند که نیازمند استدلال نیست. سوم اینکه بخشی از افراد در اردوی اصول‌گرایان هنوز نسبت به ایده‌های اصلی احمدی‌نژاد در حکومت‌داری وفادارند، اما ضعف او در وفاداری سیاسی و انحراف ایدئولوژیک را دلیل روی‌گردانی خود عنوان می‌کنند.

بسیار شنیده می‌شود که ما ایرانیان حافظه تاریخی نداریم و گذشته را چراغ راه آینده قرار نمی‌دهیم. یکی از مصادیق این امر تحلیل نکردن جدی تجربه کشور در هشت سال مدیریت احمدی‌نژاد است. البته این موضوع محدود به دوره او نمی‌شود، هواداران اصلاحات نیز گاه همه دوران ممد خاتمی را تنها با موضع‌گیری‌های او در قبال فعالان سیاسی یا مطبوعات و آزادی‌های مدن و همین‌طور دوران اکبر هاشمی رفسنجانی را با طرح‌های سدسازی او داوری می‌کنند. این‌گونه ارزیابی‌ها کلی، اساس صرفاً یک یا دو اقدام موجب شده است نگرش ساده‌اندیشانه‌ای از سیاستمداران پیداشیم و پیوسته خطاهای خود را تکرار کنیم؛ همچنان که رودکی شاعر پارسی‌گو می‌گوید: «هر که ز غم از گذشت روزگار/ نیز ناموزد ز هیچ آموزگار». برای اینکه بتوانیم از تکرار خطاهای گذشته جلوگیری کنیم، باید گذشته را با ابعاد مختلف تحلیل کنیم.

در کشور ما هنوز تحلیلی از مدیریت کشور در دوران هاشمی و خاتمی صورت نگرفته است تا از جامعه بخواهیم این دو سیاستمدار را بر پایه این معیارها ارزیابی کند. روشنفکران و روحانیان به جامعه چنین القا کرده‌اند که ارزیابی سیاستمداران صرفاً باید بر اساس معیارهایی ارزشی، مانند التزام به ارزش‌هایی چون دین، آزادی، بیان و عدالت، انجام شود. افزون بر این، جامعه ما نیا موخته است که به سیاستمداران روزنه‌ای غیر از روزنه سیاست به معنای قدرت بنگرد. سیاستمداران غیر از آنکه ارزش‌هایی را پررنگ یا کم‌نگ کرده‌اند، به رشد و قوام زندگی و معیشت روزمره ما کمکی نکرده‌اند یا مانعی برای آن بوده‌اند. تحقیر افراد صرفاً با سلب حقوق سیاسی آنان صورت نمی‌گیرد، بلکه وقتی فردی بی‌کار، بی‌سواد، روزانه از سوی انسان‌های دیگر خوار داشته می‌شود. وقتی اداره‌ها به‌خوبی کار نمی‌کنند، مراجعان پیوسته تحقیر می‌شوند. این جنبه‌های زندگی اگر برجسته‌تر از دیگر جنبه‌هایی مانند سیاست نباشد، ضعیف‌تر و کم‌اهمیت‌تر نیست.

کتابی که در اختیار شماست تلاشی است مقدماتی برای بازخوانی تجربه محمود احمدی‌نژاد، نه از زاویه تقویت یا تحدید آزادی، که از دریچه ارزیابی نحوه حکمرانی و حکومت‌داری. در این کتاب کوشیده‌ام توجه خوانندگان را به عرصه‌هایی جلب کنم که شاید کمتر به آنها توجه کرده باشند. روشن است که تحلیل دقیق تجربه سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ مجال بی‌ش از یک عنوان

کتاب و توان علمی بیش از آنچه نگارنده دارد طلب می‌کند. دگرگونی‌های روابط بین‌الملل، سیاست داخلی، فرهنگ، سیاست‌گذاری اقتصادی، مدیریت نهادهای داخلی و دیگر عرصه‌ها هر کدام موضوعی است که باید جداگانه به آن پرداخت. این کتاب به مثابه درآمدی به آن مجموعه پژوهشی گسترده است.^۱ کوشش من معطوف به این خواهد بود که درس‌هایی را که از این تجربه آموخته شده از حالت ضمنی به حالت آشکار بدل و بر آنها تأکید کنم تا به سهم خود گامی در راه پیشگیری از خطاهای آینده برداشته باشم.

گفتنی است این کتابی مقدماتی در این عرصه است و هدف این است که بتواند سمت‌وسوی مناسبی برای بحث‌ها و گفت‌وگوها درباره آن دوره فراهم کند. این کتاب برآمده از یک پژوهش علمی کامل و مفصل، که معمولاً با حمایت مالی صورت می‌گیرد، نیست؛ بلکه کاری است خودانگیزته. محصلان تفکرات فردی نویسنده، به همین علت در برخی بخش‌ها فقدان مستندات امری بارز است، اما تصور می‌شود که هر کس در آن مقطع زمانی پیوسته روزنامه‌ها و اخبار را دنبال کرده باشد، کم‌وبیش با جملاتی از سوی احمدی‌نژاد روبه‌رو شده است که مؤید ادعاهای ما در این کتاب است.

رویکرد من در این نوشته تحلیلی است نه تاریخ‌نگارانه. من برای تحلیل تنها به اقدامات، گفته‌ها و خطاب‌های آشکار و منتشرشده در رسانه‌ها اتکا خواهم کرد و به دنبال اطلاعات نهانی نخواهم رفت. از یک سو، می‌دانم که سیاستمداران سال‌ها و حتی چند دهه بعد حاضر نمی‌شوند خاطرات خود را از دوران حکمرانی و مسئولیت خود بیان کنند. به همین علت، اطلاعات دقیق و کاملاً مطمئن درباره این دوره سال‌ها بعد عرضه خواهد شد. اما این دلیل نمی‌شود که به کلی از تحلیل آن دوران منصرف شویم. از سوی دیگر، بعید می‌دانم اطلاعاتی که سال‌ها بعد عرضه می‌شود بتواند بخش عمده تحلیل‌های موجود در این نوشته را از اساس زیرگزين کند. دلیل هم این است که من در این کتاب به دنبال انتساب سیاست‌ها و اقدامات به اشخاصی خاص نخواهم بود و بیشتر بر تفکرات و شیوه‌های سیاست‌ورزی و حکمرانی تمرکز خواهم کرد و این امور پیوند مستقیمی با انگیزه‌های اتخاذ یک تصمیم نخواهد داشت. اینکه چه کس یا کسانی و با چه انگیزه‌ای تصمیمی را گرفته‌اند، موضوعی متفاوت از این است که چه سیاست و تصمیمی اتخاذ شده و این سیاست چه پیامدهایی به همراه داشته است. بررسی موضوع اول نیاز به پژوهش‌های تاریخ‌نگارانه دارد، اما بررسی موضوع دوم در حیطه سیاست‌پژوهی است. معمولاً

۱. امیدوارم در آینده نه چندان دور جلد نخست از مجموعه کتاب‌های در دست تألیف این جانب با عنوان تاریخ اقتصادی معاصر منتشر شود.

پژوهش‌های تاریخی سال‌ها بعد از گذشت یک رخداد صورت می‌گیرد، اما سیاست‌پژوهی کاری است که اندکی بعد از اجرای یک سیاست نیز می‌تواند انجام شود.

در تحلیل عملکرد سیاستمداران فرضی قوی وجود دارد مبنی بر اینکه سیاستمداران تصمیماتی می‌گیرند و اقداماتی انجام می‌دهند که قدرت‌شان را افزایش دهد. در واقع، علم سیاست می‌گوید همان‌گونه که افراد در بازار اقتصاد به دنبال حداکثر کردن سود خود هستند، در بازار سیاست هم حداکثر کردن قدرت خود را می‌جویند. وقتی چنین است، محدودیت‌های اخلاقی اگر مانعی بر سر راه افزایش قدرت باشند، به گونه‌های مختلفی توجیه می‌شوند. در این رویکرد، اگر سیاستمدار ببیند که صداقت به قدرت و محبوبیتش لطمه می‌زند، به‌سادگی به بی‌صداقتی متوسل خواهد شد. همچنین در این رویکرد، اگر سیاست یا اقدامی به سود سیاستمدار، ولی به زیان جامعه باشد، احتمال اینکه سیاستمدار سود شخصی خود را دنبال کند بیشتر از آن است که منفعت جامعه را بپذیرد. در این توصیف، اقدامات اشتباه و سیاست‌های نادرست به این علت انتخاب شده‌اند که چارچوب منفعت سیاستمداران بوده‌اند. این رویکرد اگرچه امروزه در اقتصاد سیاسی غالب است، اما مبنای این نوشته نخواهد بود. من آگاهانه ترجیح می‌دهم این رویکرد را کنار بگذارم. از مبنایی که این چارچوب تحلیلی عرضه می‌کند صرف‌نظر کنم، زیرا گمان می‌کنم بدون این فرض، به استاودهای خواهی رسید که با پذیرش آن معمولاً تحت‌الشعاع قرار می‌گیرند و نادیده گرفته می‌شوند.

به جای آن، رویکردی خوش‌بینانه‌تر و حتی به تعبیر برخی ساده‌لوحانه‌تر اتخاذ می‌کنم که طبق آن اگر سیاستمداران سیاست نادرستی برزینند، به این دلیل است که به اشتباه تصور می‌کنند سیاستی درست است. آنان مسائل و موضوعات را در پارچوب و شرایطی می‌بینند که شاید برای ما از بیرون مشخص نباشد و به همین علت به حق حاکم بر آن تصمیم‌ها و اقدامات را نمی‌فهمیم و در نتیجه به‌سادگی آنان را به منفعت‌خواهی شخصی و قربانی کردن سود همگان در پای نفع فردی متهم می‌کنیم. ما معمولاً اقدامات نادرست سیاستمداران را زمانی تحلیل می‌کنیم که کار از کار گذشته و پیامدهای منفی چنان آشکار شده است که فهم نادرست بودن آن سیاست کار دشواری نیست. اما وقتی فردی می‌خواهد سیاستی را اتخاذ کند، با چنان محدودیت‌ها و نبود قطعیت‌هایی روبه‌رو است که نمی‌تواند درستی یا نادرستی آن سیاست را به‌سادگی درک کند. به تعبیر روان‌شناسان، ما پس از وقوف بر برخی اطلاعات نمی‌توانیم ذهن خود را در وضعیتی تصور کنیم که فاقد آن اطلاعات است. این، مصداق همان ضرب‌المثل مشهوری است که می‌گوید: «معما چو حل گشت، آسان شود».

به باور من، هنر یک تحلیل‌گر تاریخی در آن است که چنان شخصیت‌های تاریخی را درک کند که بتواند چارچوبی را که آنان بر اساس آن به دنیا نگاه می‌کرده‌اند بفهمد و سپس بتواند شرایط تاریخی را چنان تصویر کند که مخاطب نیز خود را در آن شرایط ببیند و آنگاه سختی تصمیم‌گیری در آن شرایط را دریابد. تنها در چنین شرایطی است که خواننده خواهد توانست به رمز و راز اتخاذ برخی تصمیم‌ها پی ببرد. اتهام اینکه افراد صرفاً به علت بی‌کفایتی سیاستی نادرست را برگزیده‌اند، اگرچه در نگاه نخست جذاب و ساده‌کننده است، اما برای ذهن‌های کنجکاو و سخت‌گیر قانع‌کننده نیست. من نیز در این کتاب می‌کوشم به مخاطب کمک کنم دریابد محمود احمدی‌نژاد احتمالاً چگونه به موضوعات می‌نگریسته است. به سخن دیگر، برای دریافت فهم یک تصمیم، قدری همدلی ضروری است، اما این همدلی به معنای موافقت و هم‌رأیی نیست. می‌توان با تصمیم‌های کسی مخالف بود، اما رعین حال علت‌گزینش رفتار را درک کرد.

باور من این است که تنها در چنین حالتی است که می‌توان دریافت چرا یک سیاست نادرست است. در این کتاب تلاش خواهم کرد به خوانندگان کمک کنم تصمیمات محمود احمدی‌نژاد را درک کنند و آن وقت صادقانه از خود بپرسند آیا با آن موافق‌اند یا نه. مطمئن‌ام که بسیاری از مخالفان او وقتی به خود صادقانه نگاه داشته باشند، رأی به موافقت خواهند داد و برای اینکه به آنان کمک کرده باشم، مکاتبه تحلیل خود را از چرایی نادرست بودن آن سیاست عرضه کنم.

در فرهنگ سیاسی حاکم بر بخش بزرگی از جامعه ایران، سیاستمداران یا تماماً بد یا کاملاً خوب‌اند. عرصه سیاست در کشور ما «فدایی‌پرور» است، یعنی افراد یا شیفته سیاستمداران می‌شوند یا از آنان متنفر. شیفته‌گان به این سمت رهنمون می‌شوند که از همه اقدامات مراد خود تجلیل کنند و ضعف‌هایش را لاپوشانی کنند یا با مسامحه از آنها بگذرند. در مقابل، کسانی که مورد نفرت قرار می‌گیرند، همه اعمال‌شان محل ایراد می‌شود و انتقادات مثبت‌شان نادیده گرفته یا کم‌اهمیت قلمداد می‌شود. حتی تلاش می‌شود کارنامه‌شان طوری بازخوانی شود که کلاً منفی محسوب شود.

من در این کتاب می‌کوشم از این فرهنگ سیاسی عقب‌مانده فاصله بگیرم و تلاش می‌کنم هر اقدامی را جداگانه بررسی و تا جای ممکن، اقدامات را منصفانه و فارغ از حب و بغض ارزیابی کنم. باید توجه داشت که ارزیابی منصفانه به معنای موضع بی‌طرف داشتن پس از ارزیابی نیست، چرا که نتیجه ارزیابی هر فرد از مجموع اقدامات یک دولت یا یک سیاستمدار یا مثبت است یا منفی. هر فرد یا دولتی مجموعه‌ای از اقدامات درست و غلط

انجام می‌دهد، اما براینکه آن یا مثبت خواهد بود یا منفی، بی‌طرفی اگر به معنای قضاوت مثبت یا منفی نداشتن پس از ارزیابی باشد نه ممکن است نه پسندیده. آن بی‌طرفی که معمولاً پسندیده است موضع‌گیری نکردن پیش از انجام ارزیابی است. مقصود از این حرف آن است که شخص قضاوت ارزشی و عاطفی خود را به بعد از ارزیابی و حصول نتیجه موکول کند. حتی برخی معتقدند ارزیابی منصفانه نیازمند بی‌طرفی پیش از ارزیابی نیست، بلکه مستلزم آن است که فرد در ارزیابی خود به دلایل و شواهد و روش علمی ملتزم باشد، حتی اگر قبل از حصول نتیجه ارزیابی از یک اقدام یا عامل آن خوشش بیاید یا نیاید. به عبارت دیگر، فرد با ذهنی خالی از پیش‌فرض‌های تأییدنشده یا فارغ از حب و بغض به جمع‌آوری غیرسوگیرانه شواهد و دلایل بپردازد.

یادآوری این نکته ضروری است که تأیید یک یا چند اقدام به معنای تأیید یک سیاستمدار نیست، همچنان که رد یک یا چند اقدام به معنای رد و نفی آن سیاستمدار نخواهد بود. ملاک قضاوت بر روی یک سیاستمدار براینکه اقدامات اوست. از دید من، باید ملاحظات شخصی و عاطفی در قبال یک انسان را از ملاحظات مربوط به حساب‌کشی از مسئولان جدا کرد. سیاستمداران کارگزاران مردمند همان‌طور که ما شیفته لوله‌کش خانه خود نخواهیم بود و رضایت خود را بر پایه عملکردش تنظیم نمی‌کنیم، باید رضایت خود را از سیاستمداران بر اساس عملکردشان تنظیم کنیم و نه شخصیت آنان. اگر لوله‌کش به لحاظ فردی انسان جالبی باشد ولی در حرفه خود ناموفق، می‌تواند درست باقی بماند، اما معمولاً برای لوله‌کشی بار دیگر به او مراجعه نمی‌کنیم. کسانی که از نزدیک با محمود احمدی‌نژاد برخورد داشته‌اند او را فردی صمیمی، متواضع و بی‌تکلف ارزیابی کرده‌اند، اما سیاست ما این است که بر اقدامات و سیاست‌هایی که پیامدهای زیادی برای جامعه داشته است تمرکز کنیم و به شخصیت فردی او تنها تا جایی که به سیاست‌گذاری مربوط است توجه کنیم. هدف از نگارش این کتاب، ترویج نگاه خردگرایانه و محاسبه‌گر به سیاستمداران، به جای نگاه عاطفی به آنان، است. قطعاً بررسی کارنامه سیاستمداران نه تنها موجب رشد جامعه که موجب رشد خود آنان و ارتقای سطح عملکردشان و در نهایت بهبود رفاه عمومی خواهد شد.

۱. یکی از استادان من نقل می‌کرد که وقتی به شخصی آلمانی گفته بوده است که ما هم مانند شما انتخابات داریم، مخاطب اعتراض کرده و گفته است: تفاوتی میان انتخابات ما و انتخابات شما وجود دارد و آن این است که شما در انتخابات خود آقا و سرور انتخاب می‌کنید و ما نوکر و کارگزار.

۲. برای نمونه‌ای از این ارزیابی‌ها نک: طالبی، عبدالله، بر پاریسان چه گذشت: داستان برکناری یک‌بارۀ مدیران پاریسان، انتشارات رسا، ۱۳۹۴.